یادداشت
محمدرضا سوری

وانت‌های کم‌فروش و ترافیک‌ساز میوه

با وجود اینکه هرگونه سد معبر در معابر و خیابان‌ها ممنوع است و عوامل پلیس و شهرداری موظف به برخورد با آنها هستند، هنوز هم شاهد این نوع از معضلات شهری هستیم؛ موضوعی که علاوه بر ایجاد ترافیک و راه‌بندان در خیابان و میادین، گاهی نیز موجب بروز تصادفات خسارتی یا مرگبار می‌شود.

با وجود آنکه طبق قانون، حرکت در خیابان‌ها مختص تردد خودروهای عبوری و عمومی است، اما توقف خودروهای میوه‌فروش در خیابان‌ها، میادین و بزرگراه‌ها عملاً موجب بروز ترافیک شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد این خودروها بدون کوچک‌ترین توجه به مقررات راهنمایی و رانندگی با پارک خودروهای خود، ضمن سلب آرامش از شهروندان، معضلات ترافیکی بسیاری ایجاد می‌کنند.

طبق قانون، پلیس راهور و عوامل مقابله با سد معبر شهرداری وظیفه دارند با این معضل به صورت قانونی و بدون کوچک‌ترین درگیری برخورد کنند، اما برقرار ماندن این معضل روشن می‌کند این ساختارهای قانونی وقعی به این معضل نمی‌گذارند. اما در کنار این موضوع باید به اقدامات مجرمانه برخی از این رانندگان اشاره کرد.

بررسی‌های پلیس آگاهی نشان می‌دهد برخی معدود از این رانندگان مجرمان حرفه‌ای بوده و در برخی از موارد با سرقت خودروها و اقدام به دزدی از باغات و مزارع و انبارهای کالا و مغازه‌های اطراف تهران، در پوشش راننده دوره‌گرد اقدام به فروش اجناس دزدی می‌کنند.

بسیاری از شهروندان از کم‌فروشی وانتی‌ها با ترازوهای جعلی یا با سوءاستفاده از عجله و ترافیک اشاره می‌کنند.

برای رهایی از این معضل نیاز به همکاری مردم، پلیس و شهرداری است تا بتوان از این مشکل اجتماعی گذر کرد.

محله‌محوری
راهی برای تبدیل منابع محدود به خدمات مؤثر

■ حسین فصیحی

آسیب‌های اجتماعی معمولاً پیش از آنکه به یک بحران فراگیر تبدیل شوند، نشانه‌های خود را در کوچه‌ها، خیابان‌ها و زندگی روزمره مردم نشان می‌دهند؛ از خانواده‌ای که زیر فشار اقتصادی توان تأمین نیازهای اولیه خود را از دست داده تا جوانی که در معرض اعتیاد و بزهکاری قرار می‌گیرد، از افزایش مراجعات به مراکز حمایتی و درمانی تا محله‌هایی که به تدریج با ناامنی، فقر و کاهش امید اجتماعی مواجه می‌شوند. از این‌رو، شناسایی زودهنگام و مداخله به‌موقع ضرورت دارد. طرح مدیریت محله‌محور با نزدیک کردن تصمیم‌گیری و خدمات اجتماعی به مردم، فرصتی برای پیشگیری و کاهش این آسیب‌هاست، مشروط بر آنکه با همکاری دستگاه‌ها، تأمین منابع و اقدامات عملی همراه شود.



■ **آسیب‌ها در محله شکل می‌گیرند، درمان هم باید از همان‌جا آغاز شود**

بخش قابل توجهی از مسائل اجتماعی در سطح محله قابل مشاهده و شناسایی است. خانواده‌ای که برای تأمین هزینه درمان با مشکل روبه‌روست، کودکی که از تحصیل بازمانده، فردی که در معرض آسیب‌های ناشی از اعتیاد قرار دارد یا سالمندی که از حمایت خانوادگی و اجتماعی محروم است، همگی در محدوده‌ای زندگی می‌کنند که می‌توان با شناخت دقیق آن، مسیر دسترسی به خدمات حمایتی را کوتاه‌تر کرد. با این حال، ساختار خدمات اجتماعی در بسیاری از موارد با پراکندگی و ناهماهنگی مواجه است. ممکن است در یک محله چند نهاد خدمات مشابهی ارائه کنند، اما در محله‌ای دیگر، خانواده‌های نیازمند حتی از وجود چنین خدماتی اطلاع نداشته باشند. این نابرابری در توزیع امکانات، در شرایط دشوار اقتصادی می‌تواند پیامدهای سنگین‌تری به دنبال داشته باشد.

مدیریت محله‌محور می‌کوشد این فاصله را کاهش دهد، به این معنا که مردم و معتمدان محلی در شناسایی مسائل، اولویت‌بندی نیازها و نظارت بر اجرای برنامه‌ها نقش داشته باشند و دستگاه‌های مسئول نیز به جای فعالیت‌های پراکنده، در چارچوب یک برنامه مشترک اقدام کنند.

■ **۲۰ هزار محله در مسیر مدیریت محله‌محور**

بر اساس اعلام رئیس سازمان امور اجتماعی کشور، سازوکارهای مدیریت محله‌محور در نزدیک به ۲۰ هزار محله کشور مستقر شده‌است. این در حالی است که شمار محلات کشور حدود ۷۰ هزار محله برآورد می‌شود و توسعه طرح قرار است متناسب با ظرفیت و آمادگی مناطق، به‌تدریج ادامه یابد.

سیدمحمد بطحایی پیش‌تر با اشاره به ضرورت هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، ایجاد سکوی مشترک خدمات محله‌محور را از برنامه‌های مهم این طرح دانسته است؛ سامانه‌ای که قرار است ضمن شناسایی نیازهای برآورده‌نشده، از موازی‌کاری نهادها جلوگیری کند و تصویری روشن‌تر از وضعیت خدمات در محلات ارائه دهد. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم تمامی دستگاه‌های فعال در حوزه خدمات اجتماعی عضو شورای اجتماعی کشور هستند و درباره عملکرد، هم‌پوشانی مأموریت‌ها و موازی‌کاری‌های خود گزارش می‌دهند. بنابراین، ظرفیت قانونی و اداری لازم برای هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها وجود دارد؛ مسئله اصلی آن است که این ظرفیت چگونه به همکاری مؤثر در سطح محلات تبدیل شود.

■ **از شناسایی آسیب تا تأمین اعتبار**

یکی از مهم‌ترین الزامات موفقیت مدیریت محله‌محور، توجه به فاصله میان شناسایی مشکل و امکان حل آن است. ثبت یک آسیب اجتماعی در فهرست مسائل محله، به‌تنهایی تغییری در زندگی افراد ایجاد نمی‌کند. اگر خانواده‌ای نیازمند حمایت معیشتی باشد، فردی به خدمات درمانی و ترک اعتیاد احتیاج داشته باشد یا کودکی در معرض آسیب قرار گرفته باشد، شناسایی این وضعیت باید به مداخله مشخص، مسئولیت‌پذیری دستگاه مربوط و تأمین اعتبار منتهی شود.

این مسئله در شرایط اقتصادی کنونی اهمیت بیشتری دارد. محدودیت منابع عمومی، افزایش هزینه‌های زندگی و فشار بر خانواده‌ها می‌تواند تقاضا برای خدمات حمایتی، درمانی و اجتماعی را افزایش دهد. در چنین شرایطی، نمی‌توان از محلات انتظار داشت مشکلات انباشته را بدون پشتوانه مالی و اجرایی برطرف کنند.

از همین رو، لازم است برای هر محله، پس از تهیه فهرست مسائل و اولویت‌بندی آن‌ها، دستگاه مسئول، زمان‌بندی اجرا، منابع مورد نیاز و شاخص ارزیابی مشخص شود. همچنین باید میان مسائل فوری و بلندمدت تفاوت قائل شد، چراکه برخی مشکلات به مداخله فوری نیاز دارند و تعویق در رسیدگی به آنها می‌تواند هزینه‌های انسانی و اجتماعی بیشتری ایجاد کند.

■ **پایان دادن به موازی‌کاری**

آسیب‌های اجتماعی مرز اداری مشخصی ندارند و نمی‌توان مسئولیت رسیدگی به آنها را بر عهده یک وزارتخانه یا سازمان گذاشت. مسئله اعتیاد به حوزه‌های بهداشت و درمان، آموزش، حمایت اجتماعی، اشتغال و حتی امنیت عمومی ارتباط دارد. موضوع کودکان در معرض آسیب نیز بدون همکاری آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی، دستگاه قضایی، شهرداری‌ها و نهادهای حمایتی قابل مدیریت نیست.

در این میان، وزارت کشور و سازمان امور اجتماعی می‌توانند نقش هماهنگ‌کننده و راهبر را ایفا کنند، اما اجرای موفق طرح به حضور فعال همه دستگاه‌های مسئول نیاز دارد. وزارت بهداشت باید در شناسایی و ارائه خدمات درمانی و سلامت روان مشارکت کند، آموزش و پرورش در شناسایی و مراقبت از دانش‌آموزان در معرض آسیب نقش داشته باشد، سازمان بهزیستی خدمات حمایتی و تخصصی را ارائه دهد و شهرداری‌ها نیز از ظرفیت‌های اجتماعی و خدمات شهری خود بهره بگیرند. در کنار این دستگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها، مساجد و گروه‌های داوطلب محلی می‌توانند حلقه ارتباطی مؤثری میان مردم و نهادهای رسمی باشند. البته مشارکت این مجموعه‌ها نباید به معنای انتقال مسئولیت قانونی دولت به مردم یا واگذاری بار مالی خدمات عمومی به گروه‌های داوطلب باشد، بلکه باید ظرفیت مردمی در کنار مسئولیت و منابع دستگاه‌های دولتی قرار گیرد.

■ **تصمیم مردم باید به اقدام دستگاه‌ها منتهی شود**

یکی از نکات مهم در طراحی این طرح، جایگاه شوراهای محلی و نظام مسائل استخراج‌شده از سوی مردم است. بر اساس اظهارات مطرح‌شده درباره سازوکار جدید، قرار است اولویت‌هایی که شوراهای محله و مساجد شناسایی می‌کنند، در برنامه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی مورد توجه قرار گیرد و برای آنها ضمانت اجرایی تعریف شود. این رویکرد می‌تواند فاصله میان نیاز واقعی مردم و تصمیم‌های اداری را کاهش دهد. با این حال، برای تحقق آن باید روشن باشد که مصوبات و اولویت‌های محلی از چه مسیری به دستگاه‌های مسئول ابلاغ می‌شوند، چه نهادی بر اجرای آنها نظارت می‌کند و در صورت تأخیر یا انجام نشدن تعهدات، چه سازوکاری برای پاسخگویی وجود دارد.

مردم زمانی به چنین طرحی اعتماد می‌کنند که نتیجه مشارکت خود را در زندگی روزمره ببینند، وقتی مسئله‌ای را مطرح می‌کنند و دستگاه مسئول برای حل آن وارد عمل می‌شود. در غیر این صورت، جلسات محلی و فهرست‌برداری از مشکلات، ممکن است به تجربه‌ای تکراری و کم‌اثر تبدیل شود.

■ **تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد**

فعالیت حدود ۱۴ هزار سازمان مردم‌نهاد در سطوح ملی و استانی، ظرفیتی قابل توجه برای اجرای برنامه‌های اجتماعی به شمار می‌رود. کاهش زمان صدور مجوز این سازمان‌ها از حدود هشت ماه به سه ماه و هدف‌گذاری برای رساندن آن به ۱۵ روز کاری نیز می‌تواند مسیر مشارکت اجتماعی را هموارتر کند.

با این حال، حمایت از سمن‌ها نباید صرفاً به صدور مجوز محدود بماند. دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، آموزش تخصصی، امکان همکاری با دستگاه‌های اجرایی و برخورداری از حمایت‌های قانونی و مالی شفاف، از جمله نیازهای این مجموعه‌هاست. گروه‌های مردمی می‌توانند در شناسایی مسائل و جلب اعتماد ساکنان نقش‌آفرینی کنند، اما برای تداوم فعالیت به ساختاری روشن و پشتیبانی قابل اتکا نیاز دارند.

■ **آزمونی برای کارآمدی خدمات اجتماعی**

طرح مدیریت محله‌محور زمانی می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند که از مرحله تشکیل شوراها و شناسایی مسائل عبور کند و به برنامه‌ای دارای اعتبار، مسئول مشخص و زمان‌بندی اجرایی تبدیل شود. ارزیابی عملکرد مدیران محلی نیز باید بر اساس نتایج قابل سنجش صورت گیرد، نه صرفاً تعداد جلسات برگزارشده، شوراهای تشکیل‌شده یا گزارش‌های ارسال‌شده. کاهش محرومیت از خدمات، دسترسی بهتر خانواده‌های نیازمند به حمایت، افزایش پوشش خدمات سلامت و درمان، پیشگیری از ترک تحصیل و کاهش زمینه‌های بروز جرم، از جمله شاخص‌هایی هستند که می‌توانند میزان اثربخشی این رویکرد را نشان دهند.

در روزگاری که فشارهای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند آسیب‌پذیری خانواده‌ها را افزایش دهد، بی‌توجهی به نشانه‌های کوچک در محلات ممکن است به بحران‌هایی بزرگ‌تر منتهی شود. مدیریت محله‌محور این امکان را فراهم می‌کند که پیش از عمیق شدن مشکلات، آنها دیده شوند و برایشان چاره‌اندیشی شود.

محله‌محوری، آزمونی برای سنجش توان دستگاه‌های اجرایی در شنیدن صدای مردم، هماهنگی با یکدیگر و تبدیل منابع محدود به خدمات مؤثر است. اگر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مسئول، مردم و نهادهای محلی را در یک مسیر مشترک قرار دهند و برای مسائل شناسایی‌شده پشتوانه اجرایی و مالی فراهم کنند، این طرح می‌تواند به یکی از مسیرهای مؤثر پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی تبدیل شود. در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که مشکلات محلات به‌درستی شناسایی شوند، اما همچنان در انتظار اعتبار و اقدام دستگاه‌های مسئول باقی بمانند.

پایان فعالیت باند سارقان کرمان در تهران

دو سارق سابقه‌دار که پس از انجام سرقت‌های سریالی در استان کرمان، برای ادامه فعالیت مجرمانه خود راهی تهران شده بودند، در کمتر از ۴۸ ساعت با هوشیاری مأموران کلانتری ۱۱۹ مهرآباد هنگام سرقت از انباری یک ساختمان مسکونی دستگیر شدند.

چند روز قبل مردی با مراجعه به کلانتری ۱۱۹ مهرآباد از سرقت انباری ساختمان محل سکونتش در محله استاد معین شکایت کرد. شاکی گفت سارقان در غیاب او وارد ساختمان شده و اموال داخل انباری را به سرقت برده‌اند.

با ثبت شکایت، تحقیقات پلیسی برای شناسایی عامل یا عاملان سرقت و کشف اموال مسروقه آغاز شد.

سرهنگ عبدالوهاب علایی، سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت، در تشریح جزئیات این پرونده گفت: بررسی‌های اولیه نشان داد دو مرد جوان در این سرقت نقش داشته‌اند که برای پنهان ماندن هویتشان صورت‌های خود را با ماسک بهداشتی پوشانده بودند. در حالی که تحقیقات برای شناسایی و دستگیری متهمان ادامه داشت، مأموران با شکایت‌های مشابه دیگری روبه‌رو شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد سارقان در همان محدوده به چندین انباری دیگر نیز دستبرد زده‌اند و با وجود تکرار سرقت‌ها، هیچ ردی از خود به جا نگذاشته‌اند.

■ **غافلگیری سارقان در صحنه سرقت**

سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت در ادامه گفت: با افزایش شکایت‌ها، مأموران گشت‌های محسوس و نامحسوس خود را در محدوده‌هایی که احتمال فعالیت سارقان در آنها وجود داشت، افزایش دادند و ساختمان‌های مشکوک را تحت نظر گرفتند. سرانجام پس از ۴۸ ساعت، مأموران به دو مرد جوان که وارد ساختمانی شده بودند مشکوک شدند و برای بررسی موضوع وارد عمل شدند.



مأموران در ادامه این دو مرد را هنگام سرقت غافلگیر و دستگیر کردند. متهمان پس از انتقال به کلانتری و بررسی سوابقشان، به عنوان دو سارق سابقه‌دار شناسایی شدند که مدتی قبل به اتهام انجام سرقت‌های سریالی در استان کرمان تحت تعقیب کارآگاهان پلیس آگاهی آن استان قرار گرفته بودند. تحقیقات نشان داد این دو متهم پس از انجام سرقت‌های متعدد در کرمان، برای فرار از چنگ قانون و دور ماندن از شناسایی، محل فعالیت خود را به تهران تغییر داده و سرقت‌های سریالی از انباری ساختمان‌های مسکونی را آغاز کرده بودند، اما خیلی زود در دام مأموران کلانتری مهرآباد گرفتار شدند.

■ **اعتراف به ۱۰ فقره سرقت**

سرهنگ علایی در تشریح شیوه فعالیت متهمان گفت: دو سارق در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند و توضیح دادند برای اجرای نقشه‌هایشان ابتدا خودروهایی را سرقت می‌کردند و سپس با استفاده از آنها به محل سرقت انباری‌ها می‌رفتند. آنها پس از سرقت اموال داخل انباری‌ها، وسایل داخل خودرو را باز می‌کردند و در نهایت خودرو را در نقطه‌ای رها می‌کردند تا ردی از خود به جا نگذارند.

متهمان تاکنون به ۱۰ فقره سرقت از انباری ساختمان‌ها اعتراف کرده‌اند. مأموران در ادامه تحقیقات با شناسایی مخفیگاه آن‌ها، مقدار زیادی از اموال مسروقه را کشف کردند.

مادر و دختربچه گمشده، در انباری پیدا شدند

■ آرمین بینا

اعضای خانواده‌ای که پس از چند روز بی‌خبری از دختر و نوه‌هایشان، احتمال می‌دادند آنها به دست داماد‌شان به قتل رسیده‌باشند، با مراجعه به کلانتری در جنوب تهران درخواست کمک کردند، اما مأموران در جریان تحقیقات با کشف صحنه‌ای عجیب، مادر و دختر سه‌ساله‌اش را در انباری پشت‌بام خانه پیدا کردند؛ جایی که داماد خانواده از دو روز قبل آنها را برای تنبیه زندانی کرده‌بود.

بامداد روز یک‌شنبه دهم آبان، زن و مرد میانسالی سراسیمه به یکی از کلانتری‌های جنوب تهران رفتند و از داماد‌شان شکایت کردند. آنها مدعی بودند چند روزی است از دخترشان بهاره خبری ندارند و با توجه به اختلافات شدید او با همسرش، احتمال می‌دهند مرد جوان دختر و نوه‌شان را به قتل رسانده باشد. یکی از شاکیان در تشریح ماجرا به مأموران گفت: «چند سال قبل مرد جوانی به نام بهراد به خواستگاری دخترم آمد. او و خانواده‌اش اصرار زیادی برای این ازدواج داشتند و در نهایت با این وصلت موافقت کردیم. زندگی آنها در ابتدا خوب بود و حاصل ازدواجشان یک دختر سه‌ساله و یک پسر شش‌ساله است، اما مدتی بعد متوجه شدیم میان آنها اختلافاتی به وجود آمده‌است.

ابتدا تصور می‌کردیم به خاطر دو فرزندشان اختلافات را کنار می‌گذارند، اما مشکلاتشان روزبه‌روز بیشتر شد. دامادمان گاهی دخترمان را کتک می‌زد و حتی او را به قتل تهدید می‌کرد. چند بار هم بهاره قهر کرد و به خانه ما آمد، اما هر بار برای حفظ زندگی مشترک و به خاطر بچه‌ها میانجیگری کردیم و آنها را آشتی دادیم.»

شاکی در ادامه درباره آخرین تماس دخترش گفت: «چند روزی بود از بهاره خبر نداشتیم تا اینکه با تلفن همراهش تماس گرفتیم. او با گریه جواب داد و از صدایش مشخص بود با شوهرش درگیر شده است. در همان تماس از او خواستم با همسرش کنار بیاید و به خاطر فرزندانش اجازه ندهد اختلافاتشان بیشتر شود، اما ناگهان تماس قطع شد. ما هم تصور کردیم دوباره با هم آشتی می‌کنند و موضوع جدی نیست. از آن روز دو روز گذشت، اما هر چه با تلفن دخترم تماس گرفتیم، جواب نداد. تلفنش خاموش بود و دامادمان هم به تماس‌های ما پاسخ نمی‌داد.»

شاکی در ادامه گفت: «با دوستان و بستگان تماس گرفتیم، اما هیچ‌کس از دخترم و نوه‌هایم خبری نداشت. نگران شدیم و تصمیم گرفتیم به خانه آنها برویم. وقتی به آنجا رسیدیم، دامادمان پشت در آمد، اما حاضر نشد در را باز کند و اجازه دهد دخترمان را ببینیم. هر چه اصرار کردیم فایده‌ای نداشت. او فقط گفت چند روز دیگر خبر دخترتان به گوشتان می‌رسد. از طرفی همسایه‌ها هم گفته بودند دو روز قبل صدای درگیری و گریه دخترم را شنیده‌اند. ما هم در آخرین تماس صدای گریه و التماس او را شنیده بودیم. با توجه به تهدیدهای قبلی دامادمان، احتمال می‌دهیم او دخترمان و حتی دو نوه‌ام را به قتل رسانده باشد. برای همین از پلیس درخواست کمک داریم.»

■ **کشف زن جوان در انباری پشت‌بام**

با ثبت این شکایت، موضوع ساعت دو بامداد به قاضی محمدی، بازپرس ویژه قتل، گزارش شد. با توجه به ادعای خانواده بهاره درباره تهدیدهای قبلی دامادشان و احتمال وقوع جنایت، بازپرس دستور داد مأموران برای بررسی وضعیت زن جوان به خانه او بروند و در صورت باز نکردن در، با تخریب قفل وارد ساختمان شوند.

تیم پلیس بلافاصله راهی محل شد و پس از زنگ زدن و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های اولیه، قصد داشت قفل در را تخریب کند که در همین لحظه بهراد در را باز کرد. او در تحقیقات ابتدایی مدعی شد از همسرش خبری ندارد، اما مأموران هنگام بازرسی خانه صدای ناله و گریه زن جوانی را از پشت‌بام شنیدند. مأموران با دنبال کردن صدا به انباری پشت‌بام رسیدند و با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند. بهاره و دختر سه‌ساله‌اش داخل انباری زندانی شده بودند و با گریه و ناله درخواست کمک می‌کردند.

مرد جوان که با کشف این ماجرا راهی برای پنهان کردن حقیقت نداشت، اعتراف کرد همسر و دختر خردسالش را از دو روز قبل در انباری حبس کرده است. مأموران بلافاصله مادر و دختر را از انباری بیرون آوردند و با دستور بازپرس جنایی، زن جوان را تحویل خانواده‌اش دادند. بهراد نیز برای انجام تحقیقات به اداره پلیس منتقل شد.

■ **تنبیه یک‌هفته‌ای همسر!**

مرد جوان در بازجویی‌ها درباره انگیزه‌اش از این اقدام گفت: «مدتی است با همسرم اختلاف دارم. او بیشتر وقتش را با تلفن همراه می‌گذراند و در فضای مجازی با دوستانش ارتباط دارد. بارها به او تذکر داده بودم بیشتر به فکر زندگی و اداره خانه باشد، اما به حرفم توجه نمی‌کرد. همین موضوع باعث می‌شد مرتب با هم درگیر شویم. دو روز قبل دوباره با هم اختلاف پیدا کردیم و این بار تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم. به همین خاطر همسرم را در انباری پشت‌بام زندانی کردم. قصد داشتم یک هفته او را همان‌جا نگه دارم تا بیشتر به فکر زندگی‌اش باشد. فرزندانم بی‌تابی می‌کردند و دختر سه‌ساله‌ام مدام سراغ مادرش را می‌گرفت. برای همین او را هم به انباری بردم تا کنار مادرش باشد، اما پسر شش‌ساله‌ام را برای چند روز به خانه یکی از دوستانم فرستادم.»

متهم در پایان گفت: «در این دو روز خانواده همسرم مرتب با من تماس می‌گرفتند و سراغ بهاره را می‌گرفتند، اما جوابشان را ندادم. می‌خواستم با این کار آنها را هم تنبیه کنم، ولی در نهایت از من شکایت کردند و مأموران همسر و دخترم را پیدا کردند.» تحقیقات درباره این حادثه و بررسی ابعاد مختلف رفتار متهم، به دستور قاضی محمدی، بازپرس ویژه قتل، ادامه دارد.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان کوهدشت - سری (۷۱۴) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی کوهدشت مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول :(۱۴۰۵/۰۸/۱۱) نوبت دوم:(۱۴۰۵/۰۸/۲۶)

۱ - تقاضای «حجت اله گراوند» فرزند «یارمحمد» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۱۷۳۸۱,۱۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حجت اله گراوند»

۲ - تقاضای «حجت اله گراوند» فرزند «یارمحمد» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۲۲۴۲۰,۰۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «یارمحمد گراوند»

۳ - تقاضای «حجت اله گراوند» فرزند «یارمحمد» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۹۴۴۴,۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه « یار محمد گراوند»

۴ - تقاضای «حجت اله گراوند» فرزند «یارمحمد» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۵۸۷۶,۹۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «یار محمد گراوند»

۵ - تقاضای «حجت اله گراوند» فرزند «یارمحمد» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۵۶۴۲,۵۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «یار محمد گراوند»

۶- تقاضای «حجت اله گراوند» فرزند «یارمحمد» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۲۸۶۵۶,۷۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حجت اله گراوند»

۷ - تقاضای «حجت اله گراوند» فرزند «یارمحمد» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۲۳۱۸۳,۸۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «یار محمد گراوند»

۸ - تقاضای «هادی گراوند» فرزند «صیدجان» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۴۳۲۵,۳۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صیدجان گراوند»

۹ - تقاضای «هادی گراوند» فرزند «صیدجان» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۱۰۸۳۶,۶۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صیدجان گراوند»

۱۰ - تقاضای «هادی گراوند» فرزند «صیدجان» نسبت به «۶ دانگ از ششدانگ یک باب /قطعه زراعی» بمساحت «۲۵۷۷۹,۲۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «*» فرعی از «۲۰» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صیدجان گراوند»

هوشنگ اسکندرنیا

رییس اداره ثبت اسناد واملاک کوهدشت

شناسه آگهی:۲۳۱۵۸۷۶

جوان
سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸
جوان